

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰  
صفحه ۲۶۵ تا ۲۸۴

## موانع و چالش‌های تولید علم و اختراع در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان

محمود رنجبر / دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ایران  
mahmoodranjbar866@gmail.com

مصطفی ماندگار / استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

زهره فرخی / استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ایران

### چکیده

در تحقیق حاضر، موانع و چالش‌های تولید علم و اختراع در ایران مطالعه شده و در ارتباط با موانع حقوقی، حق تولید علم و اختراع در دو کشور ایران و انگلستان مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. دو سؤال اصلی مقاله این است: اولاً موانع موجود بر سر راه تولید علم و اختراع در ایران کدامها هستند؟ ثانیاً موارد مهم در ارتباط با موانع حقوقی شامل چه مواردی می‌شوند؟ بر اساس این سئوالات، دو فرضیه مطرح می‌شود: (۱) شناخت موانع و چالش‌های تولید علم و اختراع، به راه‌های غلبه بر آنها کمک می‌کند. (۲) برخلاف شباهت‌های موجود در شرایط ماهوی ثبت اختراعات، در دیگر زمینه‌های مطرح در بخش موانع حقوقی، تفاوت‌های چشمگیری در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مشاهده می‌شود. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که برای چیرگی بر موانع و چالش‌های تولید علم و اختراع در ایران، رفع ابهام از تعاریف و مصادیق مربوط و نیز کارآمدسازی بیشتر نظام حقوقی ایرانی ضروری به نظر می‌رسد. روش تحقیق در این مقاله، جمع‌آوری داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل این داده‌هاست.

**کلیدواژه:** تولید علم، موانع تولید علم و اختراع، مالکیت فکری، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی انگلستان.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۴/۱۳

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای محمود رنجبر می‌باشد

### مقدمه

تولید همواره یکی از دغدغه‌های توسعه در همه کشورها محسوب می‌شود و در همین راستا نیز استراتژی‌های مختلفی بکار گرفته می‌شود. در ایران نیز با در نظر گرفتن شرایط تاریخی و جغرافیایی و ... این امر همواره یکی از دغدغه‌های اندیشمندان و همچنین مقامات سیاسی (در عرصه کنش سیاسی) محسوب می‌شود. بر همین اساس است که رهبر انقلاب نیز توجه ویژه‌ای به این امر کرده است. توجه به آرا و گفته‌های رهبر انقلاب درباره‌ی حمایت همه‌جانبه از امر تولید و رفع موانع تحقق آن که شعار سال ۱۴۰۰ در کشور معرفی شده است، ذکر این نکته کلیدی حائز اهمیت است که از نقطه‌نظر عملی (پراتیک)، ایجاد مشوق‌های مختلف از جمله مشوق‌های سرمایه‌گذاری، لازمه‌ی جهش تولید در چارچوب اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، کسب و کار تولیدی در کشور باید به سمتی پیش برود که افراد سرمایه‌گذار در حوزه‌ی تولید و تمام طیف‌های آن مورد تشویق قرار گرفته و در این زمینه در آنها انگیزه ایجاد شود. پس نتیجتاً تلاش در راستای تحقق اصل اقتصادی جهش تولید که دستاوردهای وسیعی در دیگر حوزه‌ها (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره) به دنبال خواهد داشت از یک طرف مستلزم عملی کردن و بهره‌وری از امکانات موجود بوده و از طرف دیگر به بستری مناسب برای ارتقای تولید نیاز دارد. برای مثال، «تقویت انگیزه توفیق‌طلبی و نگاه بلندمدت به توسعه‌ی صنعت کشور»، همسو کردن مجاهدت‌های فردی یا گروهی نخبگان کشوری در راستای منافع عمومی و ملی است که لازمه آن، دانش‌بنیان شدن تولید و نیز داشتن نگاه بلندمدت و چندوجهی در امر تولید است (چیت‌سازیان، ۱۳۹۹: ۴۶).

بنابراین توجه به اهمیت مانع‌زدایی از امر تولید و نیز دانش‌بنیان شدن آن، ما را به سمت حمایت همه‌جانبه از مقوله تولیدات علمی، اختراعات و نوآوری‌های مربوطه هدایت می‌کند و این امری است که در مهم‌ترین اسناد بالادستی کشور هم آمده است که در بین آنها، سند چشم‌انداز بیست ساله بر اهمیت تولیدات علمی تأکید وافری داشته است. بر طبق این سند، «ایران کشوری است دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در مقیاس منطقه‌ای». در واقع، مطابق با سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران است که سند نقشه‌ی جامع علمی کشور به منظور نیل به اهداف فناورانه و علمی و نیز برنامه‌ریزی و مدل‌سازی برای ارتقای رشد علمی کشور و پشت سر گذاشتن وضع موجود تا رسیدن به مرحله‌ی کمال و شکوفایی، با استراتژی‌های مشخصی تعبیه شده تا بلکه کشور، در مدت

زمان تعیین شده در سند چشم‌انداز مذکور، در منطقه به رتبه‌ی اول در حوزه‌ی علوم و فناوری دست پیدا کند (جنوی، ۱۳۹۹: ۲۶).

با این حال باید اذعان داشت که بدون وجود قوانین و مقررات حمایت‌کننده از حقوق دانشمندان، مخترعان، مولفان و نویسندگان، آنان در جریان کار خود دلسرد شده و دیگر اقدام به تولید دانش و خلق اثر نخواهند کرد و در نتیجه بی‌نظمی به وجود آمده که خود مانعی بزرگ بر سر شکوفایی و تسهیل نوآوری در حوزه‌های مختلف تولید دانش است، خلاقیت فکری و تولید آثار علمی را با چالش جدی مواجه ساخته و می‌تواند آن را به اضمحلال بکشاند و این امری است که می‌تواند استقلال، توسعه، غنا و توانمندسازی کشور را که با ظرفیت‌های وی در تولید علم و پژوهش و خلاقیت و نوآوری مستقیماً در ارتباط قرار دارد با چالش‌های جدی مواجه سازد. فلذا کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که یکی از دغدغه‌های اصلی تولیدکنندگان علم و مخترعان در هر کشوری و از جمله ایران، حمایت قانونی از آنهاست. دانشمندان و مخترعان به طور جدی این دغدغه را دارند که نهادهای حاکمیت چگونه و به چه میزان از آنها و تولیدات علمی و اختراعاتشان پشتیبانی می‌کنند. پشتیبانی از تولیدات علمی و اختراعات که شناسایی حق اختراع که از جمله مصادیق حقوق مالکیت فکری است فقط به معنی پشتیبانی مالی و مادی (اقتصادی) نیست و لزوماً ایجاد بسترهای مناسب برای تحقق پروژه‌های علمی و خلاقانه را شامل نمی‌شود، بلکه بیشتر از این دو مورد، به حمایت و پشتیبانی قانونی از آنها در مقابل نقض حقوق تولید علم و اختراع، افشای اسرار مربوط به تولید و اختراع مربوطه، استفاده و بهره‌برداری از تولیدات و اختراعات مورد نظر بدون رضایت آنها، تکثیر غیر مجاز تولیدات علمی و اختراعات و غیره مربوط می‌شود. «این نگرانی در کشورهایی مانند ایران که هنوز به صورت جدی به کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر حمایت از حقوق مخترعان نپیوسته و هنوز قوانین داخلی در برخی عرصه‌ها مانند ضمانت اجرای نقض حقوق مخترع با کاستی‌ها و خلاهای فراوانی مواجه است، مضاعف است. دقیقاً به همین دلیل است که طبق گزارش رسمی پایگاه اینترنتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایران از نظر امنیت روانی مراعات حقوق مخترع از میان ۱۴۴ کشور جهان در رده‌ی ۱۲۷ قرار دارد.» (رنجبر، ۱۳۹۹: ۲).

نویسندگان این مقاله با پیشنهاد مطالعه تطبیقی بین دو کشور ایران و انگلستان، شناسایی مقوله تولید علم و اختراع و تجزیه و تحلیل حمایت حقوقی از آن را در دو نظام مذکور، یک اقدام پژوهشی مهم و تاثیرگذار در راستای تحقق هر چه بیشتر ایده‌آل تولید علمی و

اختراعات در سطح کلان کشوری می‌دانند که به خصوص می‌تواند به یافتن راه‌های رفع موانع و چالش‌های پیش رو در حوزه‌ی مزبور یاری برساند. روش تحقیقی در این مقاله، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از منابع اینترنتی و غیر اینترنتی جمع‌آوری می‌شوند.

### پیشینه تحقیق

زارعی و همکاران (۱۳۹۴) با تاکید بر اهمیت نظام ثبت اختراع به عنوان مطالعه موردی و با در نظر گرفتن آن در مقام ابزار حقوقی پشتیبانی از نوآوری‌ها و توسعه‌ی صنعتی پرداخته و این مهم را در چارچوب مسائل زیست‌محیطی مورد بررسی قرار داده‌اند. به زعم این تحقیق، با نظر به تاکید کنوانسیون تنوع زیستی بر لزوم حفاظت و حمایت از اختراعات، نقایص حقوقی موجود در قوانین ثبت اختراع در جهت حفظ محیط زیست باید مورد تبیین قرار گرفته و برای رفع چالش‌های محیط زیستی، پیشنهاداتی برای اصلاح نظام ثبت اختراع ارائه شود.

نصرآبادی (۱۳۸۴) در تحقیقی به مقوله شناسایی حق اختراع و اهمیت آن در حوزه‌ی مالکیت‌های فکری پرداخته و با تبیین شرایط و معیارهای مدون قانونگذار برای شناسایی حق اختراع، نظام حقوقی ایران را با موافقت‌نامه‌ی تریپس در سازمان تجارت جهانی بررسی کرده و راهکارهایی را در جهت اصلاحات و هماهنگ‌سازی اولی با مقررات مندرج در دومی پیش کشیده است.

محسنی و قبولی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تبیین و نقد حمایت حقوقی از ایده در چارچوب مالکیت فکری پرداخته و در این راستا، دو نظام حقوقی ایران و فرانسه را مورد بررسی قرار داده‌اند. به باور مولفان، ایده‌های مرتبط با نام تجاری و نیز ایده‌هایی که دارای کاربردهای صنعتی می‌باشند می‌توانند با کسب شرایط قانونی، از حمایت و پشتیبانی قانونی مخصوص نام تجاری یا اختراع بهره‌مند شوند.

تحقیق حاضر را می‌توان واجد دو نوآوری دانست. اول این که کوشیده است چشم‌اندازی کلی از مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه تولید علم و اختراع در ایران ارائه دهد و دوم این که با تمرکز بر موضوع موانع حقوقی و نیز اهمیت حمایت حقوقی از تولید علم و اختراع، آن هم از طریق مطالعه‌ی تطبیقی نظام حقوقی ایران با انگلستان، راه‌حلی برای مانع‌زدایی از امر تولید علم و اختراع در ایران پیشنهاد دهد.

### چیستی تولید علم و اختراع

علم، نظامی از دانش یا دانش‌ها است که بر اساس مفاهیم خاص شکل گرفته و دارای قابلیت ارائه یا بیان نظری (تئوریک) فنون و تکنیک‌های علمی را داراست. وادی علم، مجموعه‌ای نظام‌مند (سیستماتیک) است که اصول آن جهانشمول بوده و در عمل هم توسط جامعه‌ی جهانی پذیرفته شده است. تولید علم یعنی ارائه‌ی نظریه یا طرحی تازه در یک قلمروی دانشی مشخص که از خصلت تقلیدی به دور و در عوض مبتنی بر تازگی است. اختراع یعنی ابداعات و نوآوری‌های به دست آمده که دارای کاربرد عملی خاص است و حل مشکلات بشری را به دنبال دارد.

با اندکی تسامح می‌توان مبحث اختراعات و ثبت اختراع را در زیرمجموعه‌ی وسیع تولیدات علمی قرار داد که دیگر نمونه‌های آن عبارتند از ارائه‌ی ایده‌های نو و خلاقانه، سندسازی، چاپ و نشر کتب و مقالات، غیره (فضل‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

آن چه که از تولید علم و اختراع، موضوعی برای علم حقوق می‌سازد، تعلق این امور به حقوق مالکیت فکری یا معنوی است. مالکیت فکری یا معنوی، تمامی حقوق بر گرفته از تفکر و تعقل در انسانها بوده و صنعت، علم، ادبیات و هنر را در بر می‌گیرد. این مالکیت معطوف به فعالیت‌های ذهنی و خلاقانه‌ی انسان است که ارزش مالی از پی دارد بدون این که لزوماً وجود مادی، ملموس و بیرونی داشته باشد. دو مصداق عمده‌ی مالکیت فکری بدین قرارند: (۱) مالکیت ادبی - هنری؛ (۲) مالکیت صنعتی. در تمام نظام‌های حقوقی موجود در جهان و از جمله ایران، حقوق مالکیت فکری دو مصداق نامبرده را در بر می‌گیرد (محسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۸).

حق اختراع، جزئی از مجموعه‌ی مالکیت صنعتی به شمار می‌آید که با مقوله ثبت اختراع در نسبت مستقیم است، چون این روند ثبت اختراع است که حقوق مادی و معنوی مخترعان را تضمین می‌کند. ضمناً به اجمال می‌توان گفت که ثبت اختراع یعنی حمایت و پشتیبانی قانونی از مخترعان پس از ثبت اختراع ایشان.

### موانع تولید علم و اختراع در ایران

تمام کشورها به انحاء مختلف می‌کوشند تا با افزایش سهم نظری و عملی خود در تولیدات و انتشارات علمی و نیز اختراعات، به افزایش نقش خود در مناسبات و عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی یاری رسانده و آن را محقق سازند. با این حال باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت که نقش هر کشوری در عرصه‌ی تولیدات علمی و

اختراعات بر اساس سهم آن کشور از جمعیت جهانی مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، هر کشوری باید نسبت به سهم خودش از جمعیت جهانی دست به تولیدات علمی و اختراعات بزند. زمانی گفته می‌شود یک کشور دارای قدرت علمی است که نسبت تولید علم وی در مقایسه با جمعیت جهانی بیشتر باشد. در غیر این صورت باید از فقر علمی آن کشور سخن گفت. با این حال سهم مورد نظر همیشه دارای توازن نیست که در این صورت، کشور نامبرده با شاخص فقر علمی زیاد مواجه خواهد شد (مرادی مقدم، ۱۳۹۷: ۲۱).

برشمردن موانع و چالش‌های تولید علم و اختراع در ایران که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز به چشم می‌خورد، با توجه به تعدد این موارد و نیز امکان ارائه معیارها و فرمول‌بندی‌های مختلف، کار آسانی به نظر نمی‌رسد. ما در ذیل می‌کشیم چهارده مانع و چالش عمده را نام برده و مورد بررسی اجمالی قرار دهیم. به پانزدهمین مورد هم که به موانع حقوقی می‌پردازد به طور مفصل پرداخته خواهد شد: (۱) عدم سرمایه‌گذاری کافی دولتی؛ (۲) عدم باور کافی به ضرورت تولید علم و اختراع و فقدان روحیه علمی؛ (۳) فقدان آزاداندیشی در مواجهه با علم و تولیدات علمی؛ (۴) نقدپذیر نبودن؛ (۵) عدم توجه به معیارهای اخلاقی؛ (۶) عدم فرهنگ‌سازی در تولید علم در سطح وسیع اجتماعی؛ (۷) اولویت ندادن به اعتبارات پژوهشی؛ (۸) عدم پوشش وسیع و همه‌جانبه‌ی تولید علم و اختراع؛ (۹) کم‌توجهی به نقش دانشگاه‌ها، نهادها، موسسات و مراکز علمی؛ (۱۰) کم‌رنگ بودن استعدادیابی؛ (۱۱) عدم تنوع زبانی در تولیدات علمی؛ (۱۲) عدم توازن بین رشد کمی و کیفی در تولیدات علمی و اختراعات؛ (۱۳) عدم تجدید نظر در نمودارهای کلی تولیدات و نشریات علمی؛ (۱۴) بوروکراسی دست و پاگیر؛ (۱۵) موانع حقوقی.

### عدم سرمایه‌گذاری کافی دولتی

در هر کشوری، تولید علم و جهش در اختراعات و ابداعات صنعتی و فناوری، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های فزاینده است و بدیهی است که این امر، جز به دست توانای دولت‌ها که بزرگترین حامیان و مشوقان تولید و ترویج علم و دانش و فنون هستند به دست نخواهد آمد. تاریخ نشان داده است که دوران طلایی تولیدات علمی و اختراعات و ابداعات در هر کشوری با حمایت مالی و مادی همه‌جانبه‌ی دولت‌ها و دولتمردان از مولفان و عالمان و مبدعان توأم بوده است؛ عصر باشکوه تمدن اسلامی - ایرانی، رنسانس ایتالیا یا دوران سلطنت لوئی چهاردهم در فرانسه، گواهی بر این واقعیت هستند (نجفی، ۱۳۸۸). همچنین یکی از مهم‌ترین دلایل مبنی بر این که بخش خصوصی در ایران در حوزه‌ی علم و تولیدات علمی

از سرمایه‌گذاری اجتناب می‌کند را باید در عدم برقراری رابطه‌ی مناسب و مبتنی بر اعتماد با دولت ارزیابی کرد. پرواضح است که اعتبارات پژوهشی و تخصیص بودجه به علوم و فنون در ایران سیر صعودی نداشته و منابع تامین سرمایه به جای این که به طور فزاینده‌تری در این حوزه‌ها خرج شوند در برنامه‌های بودجه‌گذاری و سرمایه‌گذاری کشور به صورت خرد و کلان، به دیگر حوزه‌ها اختصاص بیشتری پیدا می‌کنند. نتیجه‌ی این روند، آسیب‌پذیر شدن بدنه‌ی تحقیقاتی کشور (هداوند، ۱۳۸۳: ۲۸) و ممانعت از تولید و ترویج علم خواهد بود.

### **عدم باور کافی به ضرورت تولید علم و اختراع و فقدان روحیه‌ی علمی**

ضرورت علم و وجود تولیدات علمی و خیزش اختراعات بدون باور عمیق و ایجاد روحیه شکل نمی‌گیرد. غیاب یا سطحی‌نگری در برخورد با موضوع مهم تولید علم و تولیدات علمی مانع مهمی بر سر راه توسعه‌ی علمی کشور به شمار می‌آید و تا زمانی که ضرورت نامبرده و احساس نیاز به جدیت در مواجهه با آن شکل نگرفته است، مساعدت‌ها و تلاش‌ها در راستای مانع‌زدایی از آن راه به جایی نخواهند برد (توکل، ۱۳۷۷: ۲۳).

### **فقدان آزاداندیشی در مواجهه با علم و تولیدات علمی**

آزاداندیشی پشتوانه‌ی تولیدات علمی است و وجود آن به فضای مشارکتی و رقابتی دامن می‌زند و در واقع آن را تضمین می‌کند. در ضمن اگر اصل اساسی در آزاداندیشی را تضارب آراء لحاظ کنیم، پس باید بگوییم که بروز خلاقیت که لازمه‌ی دانش و ابداع است از تضارب آراء ناشی می‌شود که خود تابعی از آزادی بیان است که فرصت‌های مناسب را برای ارائه‌ی نظریات و تفکرات فراهم می‌کند (عصاریان نژاد، ۱۳۸۵).

### **نقدپذیر نبودن**

اصل نقدپذیری به دنبال اصل آزاداندیشی مطرح می‌شود و می‌توان بین آن و مبحث تضارب آراء، رابطه‌ی مستقیمی برقرار کرد. فقدان نقدپذیری (پذیرش نقد مستدل، موجه و سازنده) به عدم ارتقا و بهبود کیفی نظریات علمی و در نتیجه به عدم تحقق تولیدات علمی و بسط آنها منجر خواهد شد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۴).

### **عدم توجه به معیارهای اخلاقی**

هنجارها، ارزش‌ها و مدل‌های تولید علمی بدون معیارهای اخلاقی (که پشتوانه‌ی غیر مادی علم و دانش محسوب می‌شوند) در جامعه درونی نخواهند شد و در نتیجه افراد، بدون انگیزه با علم و تولید علم برخورد خواهند کرد. لازم به ذکر است که تعهد علمی و الزامات عملی در جامعه‌ای که معیارهای اخلاقی و ارزشی عمیقی را برای گفتمان علمی خود تعریف

و تبیین نکرده است می‌توانند به عدم مسئولیت‌پذیری تبدیل شوند که بنا به باور صاحب‌نظران، از جمله آفات بزرگ برای توسعه‌ی علمی و فنی کشور به حساب می‌آید، چون به تربیت نیروی علمی دغدغه‌مند بدل نمی‌شود (توکل، همان). نتیجه آن که در فضایی فرهنگی که خالی از حس تعامل، شفافیت و مسئولیت‌پذیری است، نمی‌توان به تولید کمی و کیفی علوم و اختراعات امید بست.

### عدم فرهنگ سازی در تولید علم در سطح وسیع اجتماعی

تولید علم و تشویق به ابداعات و اختراعات، تنها نیازمند سرمایه‌گذاری‌های مادی و حمایت‌های مالی نیست، بلکه به همان اندازه به تکوین پایه‌های فرهنگی در سطح وسیع جامعه نیاز دارد تا بلکه فرهنگ جامعه و سطوح گوناگون آن با علم و تولیدات علمی بیگانه نبوده و بالعکس، اهمیت آن را در خود درونی کنند. درونی‌سازی روحیه‌ی علم‌دوستی و حمایت از محصولات علمی و فناورانه و نیز پشتیبانی از پدیدآورندگان آن باید به روحیه‌ی غالب جامعه بدل شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا کند (باقری دولت‌آبادی و انفعالی، همان: ۱۶۴). چون در غیر این صورت، تولید علم و عملکرد عالمان با سختی و حتی شکست مواجه خواهد شد.

### اولویت ندادن به اعتبارات پژوهشی

از جمله معضلاتی که امروزه امر تولید علم در ایران با آن مواجه است، اولویت ندادن به اعتبارات پژوهشی در حوزه‌های مختلف علمی و ترجیح اعتبارات آموزشی به جای آن است. آموزش، انتقال علم را شامل می‌شود و پژوهش، تولید علم را در بر می‌گیرد (باقری دولت‌آبادی و انفعالی، همان: ۱۶۵). این معضل به ویژه در دانشگاه‌ها و موسسات علمی و تحقیقاتی دیده می‌شود و دامنه‌ی وسیعی را از علوم انسانی گرفته تا علوم تکنولوژیک در بر می‌گیرد. اساتید و دانشمندان که به امرار معاش و تثبیت موقعیت شغلی خود فکر می‌کنند، وقتی زمینه را برای ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها و تحقیقات خود فراهم نمی‌بینند، به آموزش و تدریس بیشتر روی می‌آورند؛ یعنی امری که علی‌رغم اهمیت آن، وقت و فرصت و انرژی زیادی را به خود گرفته و در عوض، بازده کمتری خواهد داشت. بهترین راه برای رفع این معضل، ایجاد توازن بین آموزش و پژوهش و نیز تخصیص اعتبارات ویژه به پژوهش است تا بلکه عالمان و دانشمندان، با دغدغه‌ی خاطر، زمان خود را صرف تحقیق و تفحص و تولید کنند. این امر به خصوص باید در دانشگاه‌ها با جدیت و به صورت یک هدف بلندمدت دنبال شود.

### عدم پوشش وسیع و همه‌جانبه‌ی حوزه‌های تولید علم و اختراع

نباید از نظر دور داشت که در جوامع بشری، علم، دانش و فناوری، قلمروی گسترده‌ای را در بر می‌گیرند و در سطوح مختلف بازتاب دارند. عدم توجه به این تنوع علمی و نادیده گرفتن گفتمان‌های دانش و تکنیک، به اجحاف در حق بعضی از شاخه‌های علوم و فنون بدل خواهد شد و عالمان و فعالان این شاخه‌ها را دلسرد و بدبین خواهد کرد. در واقع دولت‌ها نباید ویژگی بیناکنشی علوم و فنون را مغفول نگه‌دارند. در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، علوم و دانش‌های مختلف تولیدی همپا با یکدیگر رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند.

### کم‌توجهی به نقش دانشگاه‌ها، نهادها، موسسات و مراکز علمی

تجربه نشان داده است که در جوامع صنعتی و تکنولوژیک امروزی، هر زمانی نسبت به نقش دانشگاه‌ها، نهادها، موسسات و مراکز علمی که در تولید نظری علم پیشتاز هستند به حد کافی حمایت مادی و غیر مادی به عمل نیاید، روند تولید علم در کوتاه‌مدت و بلندمدت دچار اختلال می‌شود. برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه و مستدل و مدون، بدون دخیل دادن مراکز آموزش عالی و مشارکت آنها در نهضت تولید علم و فرهنگ‌سازی، راه به جایی نخواهند برد. پویایی و نشاط علمی، فراهم ساختن بسترها و زمینه‌های لازم برای رخدادها و اتفاقات علمی و مخترعانه، تبدیل علوم و فنون به نهادهای اجتماعی موثر و قدرتمند، از جمله مواردی هستند که بدون وجود دانشگاه‌ها و نهادهای علمی و فنی - صنعتی محقق نخواهند شد. ضمناً اگر یکی از موانع عمده‌ی تولید علم و اختراعات را در فقدان یا ضعف نیروهای خلاقه و نخبگان و مستعدان یک جامعه بدانیم، پس بلافاصله به نقش انکارناپذیر دانشگاه‌ها و نهادهای علمی که تعلیم و تربیت و آماده‌سازی این قشر اجتماعی را بر عهده دارند پی خواهیم برد. به عبارت دیگر، ارتقای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که از عوامل تاثیرگذار بر آن، توسعه‌ی علمی و پیشبرد تولیدات و محصولات علمی و ابداعی است، بدون فعالیت مستمر دانشگاه‌ها و نهادهای مربوطه به وقوع نخواهد پیوست (توکل، همان). تولید علم، مساوی است با تولید فناوری و تولید فناوری یعنی کسب و تثبیت قدرت روزافزون در عرصه‌های مختلف. اگر مانعی بر سر اهداف دانشگاهی و تحقیقاتی به وجود بیاید، چرخه‌های تولیدی با کندی و حتی توقف مواجه خواهند شد؛ چرا که نیروی بانشاط و خلاق و مبدعی در کار نخواهد بود که علم و صنعت و فنون را به دست بگیرد. فقدان نیروی انسانی متخصص و متعهد که از نعمت تحصیل در محیط مناسب علمی و پژوهشی محروم بوده است، معضلی است که مستقیماً با موانع تولید علم و اختراع در پیوند بوده و حتی می‌توان گفت خود، یکی

از این موانع به شمار می‌آید. بنابراین سیاستگذاران موظفند دانشگاه‌ها و دانشگاهیان را ارج نهاده و با حمایت همه‌جانبه از آنها، از ضعف تولیدات علمی جلوگیری کنند.

### کمرنگ بودن استعدادیابی

همانطور که اشاره شد، بدون وجود استعدادهای خلاق، مبدع و بانشاط که برای علم و فن و نوآوری تربیت شده‌اند، راه‌اندازی و ارتقای چرخه‌ی تولید علمی در کشور ممکن نیست. از جمله مسائلی که ایران با آن درگیر است، فقدان اراده‌ی لازم برای کشف استعدادها از یک سو و فراهم کردن بستر و زمینه‌ی لازم برای رشد و شکوفایی آنها از سوی دیگر است؛ امری که روند تولیدات علمی را ضعیف یا کم‌اثر کرده است. بهترین مثال برای چنین امری می‌تواند دلسردی نسل جوان در نظر گرفته شود که عرصه را برای رشد و ارتقا فراهم ندیده و در نتیجه از انگیزه‌ی کافی برای مشارکت علمی و تکنیکی برخوردار نخواهد شد. پدیده‌ی منفی فرار استعدادها و نخبگان هم از دیگر پیامدهای ضعف یا اغفال در استعدادیابی محسوب می‌شود (فولادی، ۱۳۸۱).

### عدم تنوع زبانی تولیدات علمی

مطالعات علم‌سنجی<sup>۱</sup> به ما می‌آموزند که زبان به عنوان مولفه‌ای مهم در روند تولید علمی به شمار می‌آید. در واقع هر چقدر تنوع زبانی فرآیندها و فرآورده‌های علمی کشور بیشتر باشد، توانایی و قابلیت پدیدآوردن گان علمی به تالیف متون علمی به زبان‌های مختلف بیشتر خواهد بود. عدم توانایی یا ضعف در به کارگیری زبان‌های مختلف که در سطح بین‌المللی به کار برده و مورد استفاده واقع می‌شوند منجر به تماس کم با سایر کانون‌های مولد علم در جهان (نشریات، روزنامه‌ها، مجلات، دانشگاه‌ها، مراکز و سازمان‌های علمی) شده و در نتیجه قدرت انتخاب را نیز کاهش می‌دهد. برای مثال، تولیدات علمی منتشره در ایران به زبان‌هایی به جز زبان انگلیسی در سال ۲۰۰۶ میلادی فقط پنج صدم درصد بوده، در حالی که تولیدات علمی مصر و ترکیه (که در زمینه‌ی تولید و ترویج علم و دانش، دو رقیب بزرگ ایران در منطقه محسوب می‌شوند) در همین سال از تنوع زبانی بسیار بیشتری برخوردار بوده است (نوروزی چاکلی، ۱۳۸۶: ۶۹).

### عدم توازن بین رشد کمی و کیفی در تولیدات علمی و اختراعات

<sup>۱</sup> Scientometrics

نباید فراموش کرد که برقراری توازن بین رشد کمی و رشد کیفی تولیدات علمی است که باعث می شود تا تولید به فناوری و نظریه به کاربرد تبدیل شود. این امر به خصوص در باره ی کشوری مثل ایران که تنها یک درصد جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است (مرادی مقدم، ۱۳۹۷: ۲۰) اما بر طبق شواهد و مدارک، طی سالهای گذشته بیشترین رشد تولید علم را در جهان دارا بوده است سؤال برانگیز می شود: (۱) این سهم تولید علمی چگونه بوده است؟ (۲) این سهم علمی در چه حوزه هایی اتفاق افتاده است؟ (۳) چه شاخصه هایی برای شناسایی آن به کار برده می شوند؟ (۴) تاثیرات سهم علمی مذکور بلندمدت خواهند بود یا کوتاه مدت؟ در واقع اهمیت این امر وقتی بیشتر روشن می شود که بدانیم از ابتدای انقلاب ۵۷ تا به امروز، نه وضعیت شاخصه های علم سنجی در ایران به درستی تبیین و روشن شده اند و نه تجزیه و تحلیل دقیقی از این شاخصه ها در حوزه ها و شاخه های<sup>۱</sup> مختلف علمی انجام شده است، شاخصه هایی مانند عملکرد کشور در تولید علم (نسبی یا سرانه)، فقر علمی، توان علمی و غیره (مرادی مقدم، همان). بنابراین به صرف این که ایران، طبق آمار و ارقام موجود (کمی) از خط فقر علمی عبور کرده است لزوماً به معنای تأیید بهبود کیفی تولیدات علمی این کشور نیست.

### عدم تجدید نظر در نمودارهای کلی تولیدات و نشریات علمی

نمودارهای کلی تولیدات و نشریات علمی در همه کشورها نقش انکارناپذیری در ساختار آماری و نیز در عرصه ی اطلاع رسانی بر عهده دارند و می توانند به شفاف سازی آمار و ارقام قابل ارائه و نیز به دقت فزاینده ی شاخص های تحلیلی کمک شایانی کنند (نوروزی چاکلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۰). با توجه به کلی بودن نمودارهای تولید علم در ایران و با در نظر گرفتن این نکته که نمودارهای مذکور، سهم دقیق نشریات معرفی شده را نشان نمی دهند، بنابراین باید در طراحی و عملیاتی کردن این نمودارها تجدید نظر کرد. چون در غیر این

---

<sup>۱</sup> در علم سنجی، این شاخه های علمی در طیف وسیع و گوناگون علوم، به پرتحرک، میان تحرک و کم تحرک تقسیم می شوند؛ یعنی شاخه هایی که تولیدات علمی در آنها بالا، متوسط یا پایین است (Gilbert, 1978). برای مثال در ایران، شیمی جزء شاخه های پرتحرک، علوم زراعی جزء شاخه های میان تحرک و زمین شناسی یا علوم اقتصادی جزء شاخه های کم تحرک محسوب می شوند (مرادی مقدم، ۱۳۹۷: ۲۹).

صورت، حالت غلط‌انداز به خود گرفته و می‌توانند در بلندمدت به مانعی بر سر راه شفاف‌سازی اطلاعاتی تولید علوم در ایران منجر شوند.

### بوروکراسی دست و پاگیر

بوروکراسی یا دیوانسالاری که یکی از وجوه ممیزه‌ی نظام‌های سیاسی کارآمد و پیچیده به شمار می‌آید و نماد و بخشی از تحقق اراده‌ی سیاسی کشور لحاظ می‌شود (امیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴) می‌تواند ابعادی منفی به خود گرفته و با فرسایشی شدن، از بروز فرصت و خلاقیت که دو مولفه‌ی ضروری برای تولید علم و رشد اختراعات هستند جلوگیری کند. در واقع باید گفت که خطر وجود بوروکراسی برای تولید علم در این است که به جای برقراری محیطی منضبط (که هدف عمده‌ی هر ساز و کار اداری می‌باشد)، به پدیده‌ای دست و پاگیر بدل شده و راه را بر تحقق سریع تولیدات علمی و فنی و لوازم اداری آن ببندد. وجود سلسله‌مراتب پیچیده که از جمله خصایص بوروکراسی‌ها به شمار آورده می‌شود از تسهیل و تسریع روند و امور مربوط به تولید علم و فناوری جلوگیری خواهد کرد. برای مثال، در جریان ثبت اختراعات که بخشی مهم و ضروری است، اگر پشت سر گذاشتن پروسه‌ی اداری به امری وقت‌گیر و فرسایشی بدل شود، مخترعان از روند کار دلسرد و به سیستم بدبین شده و این امر تبعات روانی منفی در حوزه‌ی فناوری و ابداعات به دنبال خواهد داشت.

### موانع حقوقی

قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته مهم به نظر می‌رسد که در فقه اسلامی، در زمینه‌ی بهره‌برداری از اختراع بدون رضایت صاحب اختراع، سابقه‌ای به چشم نمی‌خورد. در واقع، «حقوق مادی مالک اختراع در نظام سنتی حقوق تا بدانجاست که استفاده از این حق، منحصرأ متعلق به صاحب اختراع است و بدون کسب موافقت وی بهره‌برداری از اختراع ممکن نیست» (اسکندریان و سلیمانپور، ۱۳۹۴: ۱۴۰). مع‌الوصف، دولت با دو ادله‌ی شرعی می‌تواند به حریم مالکیت خصوصی مخترع ورود نماید: ۱) زمانی که مخترع در بازار اخلال ایجاد کرده باشد؛ ۲) زمانی که منافع عمومی جامعه، تولید و عرضه‌ی اختراع مزبور را ایجاب نمایند. با توجه به این که شباهت‌های مورد اول با نظام حقوقی انگلستان و فرانسه و مورد دوم با نظام حقوقی آلمان چشمگیر است (اسکندریان و سلیمانپور، ۱۳۹۴: ۱۴۱)، پس می‌توان بر بُعد پیشتازانه و انعطاف‌پذیر قوانین فقهی - حقوقی ایران در این زمینه تأکید کرد.

علی‌رغم وجود این اصل مثبت، از منظری وسیع‌تر موانع حقوقی بر سر راه تولید علم و اختراعات که بخش عمده‌ای از موضوع این تحقیق را تشکیل می‌دهند همچنان از اهمیت

زیادی برخوردار بوده و در نتیجه باید به طور جداگانه به بررسی آنها پرداخت. رویکرد مقاله‌ی حاضر برای ارائه‌ی مطالعه‌ی از این قسم، رویکرد مقایسه‌ای است. در واقع باید گفت که مطالعه‌ی وضعیت تولید علم و اختراعات که شامل شناخت موانع موجود از یک طرف و ارائه‌ی راه حل برای رفع این موانع از طرف دیگر است به ما این امکان را می‌دهد تا در حیطه‌ی برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های مفید، کارآمد و بلندمدت در این حوزه دست بزنیم. به نظر می‌رسد که برای عملی کردن چنین قسمی از مطالعه و بررسی، اتخاذ یک رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای به ما کمک بیشتری کند. این نکته به ویژه زمانی بیشتر معنا پیدا می‌کند که بدانیم در بحث از موانع تولیدات علمی و اختراعات، صرف شناخت محلی و ملی از مولفه‌ها و عوامل موجود کافی به نظر نمی‌رسد و باید علاوه بر این، به جایگاه علمی و اختراعات کشور در عرصه‌ی بین‌المللی نیز پردازیم. این امر به خصوص درباره قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز صدق می‌کند، یعنی «قانونی کاملاً مدرن و با استانداردهای حمایتی بالا» (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۵۶). پس در این راستا، مقایسه می‌تواند ابزاری مهم و کارساز به شمار بیاید. در مقاله‌ی پیش رو، در راستای شناخت بیشتر موانع حقوقی بر سر تولید علم و اختراع در ایران، از نظام حقوقی کشور انگلستان در این زمینه کمک می‌جوئیم. نظام حقوقی انگلستان به این دلیل قابل اهمیت است که از بُعد تاریخی، جزء قدیمی‌ترین و کارآمدترین نظام‌های حقوقی در حوزه‌ی مالکیت‌های فکری و معنوی بوده و در نتیجه می‌توان از خصایص موجود در آن به منظور تکوین مطالعات تطبیقی استفاده کرد که تحقیق حاضر، نمونه‌ای از آن است. مواردی که برای بررسی تطبیقی انتخاب شده‌اند عبارتند از شرایط ماهوی ثبت تولیدات علم و اختراع؛ مبحث اختراعات مشترک؛ مبحث استثنائات مترتب بر ثبت اختراعات؛ موارد صوری ثبت اختراعات.

### ثبت تولیدات علمی و اختراعات و شرایط ماهوی آن در دو نظام حقوقی

#### ایران و انگلستان

در هر دو نظام حقوقی نامبرده، از سه مقوله مشترک سخن به میان آمده که همان شرایط ماهوی ثبت اختراعات هستند و بدین قرارند: (۱) تازگی؛ (۲) گام‌های ابتکاری؛ (۳) کاربرد صنعتی. بر طبق ماده‌ی ۲ قانون ۱۳۸۶ ثبت اختراعات در ایران، شرط قابل ثبت بودن یک اختراع این است که «حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد». در قانون اختراعات انگلستان (۱۹۸۸) نیز به همین شرایط اشاره شده است. پس می‌توان اذعان داشت که نظام

حقوقی دو کشور مورد مطالعه، در سه شرط اصلی یادشده (یعنی جدید بودن، مبتکرانه بودن و واجد کاربرد صنعتی بودن) با یکدیگر اشتراک نظر دارند.

تعبیر متفاوتی از این شرایط در میان است. اگر به نظام حقوقی انگلستان رجوع کنیم می‌بینیم که «ابتکاری بودن» زمانی مصداق دارد که این خصیصه حتی توسط شخصی که در قیاس با فن یا صنعت مورد نظر، معمولی (آماتور) به شمار می‌آید باز هم قابل درک باشد. این نکته حائز اهمیت است که تا پیش از تصویب قانون ۱۹۷۷ انگلستان، در دادگاه‌های این سرزمین در باب سطح معلومات «متخصص فرضی»<sup>۱</sup>، اختلاف آرای کم و بیش زیادی وجود داشت. در واقع به دنبال تصویب قانون مذکور بود که «دانش نامحدود»<sup>۲</sup> برای متخصصان فرضی، امری واجب تلقی شد. سطح دانش و تخصص علمی متخصص فرضی در حوزه‌ی علمی - فنی مورد نظر، بیشتر از «کارگر معمولی»<sup>۳</sup> و کمتر از «فردی با تخصص بالا»<sup>۴</sup> است (Cornish, 1992). در عوض، در نظام حقوقی ایرانی، معیار ابتکاری بودن و میزان درستی یا نادرستی آن به خوبی روشن نیست. تعریف ابتکار و ابتکاری بودن مطابق با ماده‌ی ۲ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در ایران، بدین شکل است: «ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده‌ی مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی، اختراعی کاربردی محسوب می‌شود که در رشته‌ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد». پس نتیجه آن که شخص «دارنده‌ی مهارت عادی» در نظام حقوقی ایران با «متخصص فرضی» در نظام حقوقی انگلستان انطباق‌پذیر است. با این حال در این میان تفاوتی دیده می‌شود: در قانون ۱۹۷۷ انگلستان، بحث بر سر «دانش نامحدود» برای شخص مورد نظر است، در حالی که در قانون ایران صرفاً به «عادی بودن» مهارت و توانایی تخصصی وی بسنده کرده‌اند.

شرط بعدی، جدید بودن است که تقریباً به یکسان در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد تفسیر قرار گرفته است. جدید بودن یک اختراع بر طبق ماده‌ی ۲ قانون اختراعات ایران به این امر بستگی دارد که اختراع مذکور «در فن یا دانش قبلی وجود نداشته باشد».

<sup>1</sup> Hypothetical Technician

<sup>2</sup> Omniscient Artisan

<sup>3</sup> Ordinary Workman

<sup>4</sup> Highly Qualified Research Staff

### بحث اختراعات مشترک در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان

زمانی می‌توان یک اختراع را مشترک دانست که گواهی‌نامه‌ی ثبت آن به اشتراک به دو یا چند نفر واگذار شده باشد و نیز این که حقوق منشعب از آن، تمام و کمال به آنها تعلق بگیرد (رنجبر و ماندگار، ۱۳۹۷: ۲۳۴). در نظام حقوقی ایران، بهره‌برداری از اختراع مشترک اگر صرفاً توسط هر یک از شرکا انجام شود به رضایت شریک یا شرکای دیگر نیازی نخواهد داشت و هر کدام از شرکا به تساوی از واجد حقوق اعطایی هستند (رنجبر و ماندگار، ۱۳۹۷: ۲۳۵). نباید فراموش کرد که استفاده‌ی مورد نظر، بدون اجازه‌ی دیگر شرکا، باید به سهم خود محدود شده باشد، چون در غیر این صورت قانون مذکور، با این که برای شرکا حقوق مساوی در نظر گرفته است اما در قبال این نکته که هر یک از شرکا قادرند بدون نیاز به رضایت دیگر شرکا، از حق تمام اختراع استفاده کنند سکوت کرده است؛ چون اگر یکی از مخترعان بدون اجازه‌ی شرکای خود حق اختراع خود را کاملاً استفاده کند، این امر با حقوق سایر شرکا در تضاد بوده و در نتیجه حق ایشان را ضایع می‌کند. دلیل این امر آن است که اصل «تساوی حقوق شرکا در استفاده از اختراع مشترک»؛ مندرج در قانون نامبرده، با استفاده یک شریک بدون رضایت سایر شرکا، اعتبار خود را از دست خواهد داد.

اما در نظام حقوقی انگلستان وضع به گونه‌ی دیگری برقرار است: مطابق با بند ۳ بخش ۳۶ قانون اختراعات انگلستان که به حقوق اختراعات مشترک اختصاص دارد، شرکای اختراع از اعطای مجوز بهره‌برداری، انتقال یا رهن سهم خود بدون نیاز به اجازه‌ی شریک دیگر منع شده‌اند. «این اجازه اگر در حد همان چیزی باشد که در قانون ما به شریک، حق تقدم برای بهره‌برداری اعطا نموده، تفاوتی با قانون ایران نخواهد داشت؛ ولی اگر در حد منع دائمی باشد، نظام حقوقی ایران آن را نمی‌پذیرد.» (رنجبر و ماندگار، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

### بحث استثنائات وارده بر ثبت اختراعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان

با استناد به بند ۲ بخش ۱ قانون اختراعات ۱۹۷۷ انگلستان، بند ۲ ماده‌ی ۵۲ کنوانسیون ثبت اختراعات اروپایی و نیز بند ۳ ماده‌ی ۲۷ موافقت‌نامه‌ی تریپس، چند استثنا بر مبحث ثبت اختراعات احصا شده است: ۱- کشفیات، نظریه‌های علمی و روش‌های ریاضی؛ ۲- آفرینش‌های هنری؛ ۳- برنامه‌ها، قواعد و روش‌های مربوط به فعالیت‌های فکری، بازی‌های رایانه‌ای، برنامه‌های کامپیوتری؛ ۴- نمایش اطلاعات.

از سوی دیگر، در بحث از استثنائات وارده بر نقض گواهی ثبت حق اختراع، نباید از نظر دور داشت که نقیصی در نظام حقوقی ناظر بر حق اختراع در ایران قابل یافت می‌شود. برای

مثال در زمینه‌ی روش‌های تشخیص و معالجه‌ی امراض انسان و دام. در قانون ثبت اختراعات اروپا (که یکی از اعضای آن، انگلستان است)، استثنای مورد بحث به شکل روش‌های تشخیص و معالجه‌ی امراض بر بدن و اعضای انسان و دام لحاظ شده است. در واقع باید گفت که در اروپا، اگر نمونه‌ای از بدن خارج شود و روی آن عمل تشخیصی یا درمانی جدیدی انجام شود، به عنوان یک اختراع قابلیت ثبت را دارا خواهد بود. این در حالی است که چنین چیزی در قانون ثبت اختراعات ۱۳۸۶ ایران به چشم نمی‌خورد. بنابراین پیراه نیست اگر گفته شود که پژوهش‌های روزافزون پژوهشگران و دانشمندان ایرانی در سطوح کمی و کیفی علوم پزشکی، نه قابلیت ثبت را دارا خواهند بود نه نتیجتاً مورد پشتیبانی و حمایت قرار خواهند گرفت. بنابراین طبیعی است که قابلیت توسعه در این حوزه، چشمگیر نباشد. معضل دیگر در حیطه‌ی ثبت اختراع در حوزه‌ی پزشکی این است که در نظام حقوقی اختراعات در ایران، این خود محصولات نوین دارویی هستند که به طور صرف تحت حمایت قرار دارند؛ در حالی که در انگلستان، تنها روش‌ها و شیوه‌های جدید تولید دارو از حمایت مقنن برخوردارند. بنابراین اگر شرکت‌های داروسازی خارجی هر کدام از فرآورده‌های خود را در ایران ثبت کنند، چون در قانون ایران هم فرآیند ثبت شده است و هم دارو، پس در نتیجه شرکت‌های داخلی قادر نخواهند بود فرآورده‌ها و محصولات همانند را که از طریق فرآیند دیگری ساخته و تولید شده‌اند به ثبت برسانند، چرا که فرآورده‌ی دارویی مورد نظر پیش از این از طرف یک شرکت خارجی به ثبت رسیده است.

### بررسی موارد صوری ثبت اختراعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان

#### امکان اعطای مجوز اجباری

مجوز اجباری یعنی اجازه‌ای که به دست دولت یا اداره‌ی ثبت اختراعات صادر و به هر شخصی داده می‌شود تا یک محصول ثبت‌شده را، بدون نیاز به اجازه‌ی دارنده‌ی آن محصول، مورد بهره‌برداری قرار دهد. در حقوق ایران و انگلستان، موارد مجوز اجباری متفاوتند: در ایران عموماً در صورت سوء استفاده از حق اختراع، در مواقعی که منافع جامعه لازم بداند و نیز در صورت عدم تجاری‌سازی طی پنج سال، مجوز اجباری صادر می‌گردد.

#### مدارک ثبت اختراع و هزینه‌های مترتب بر آن

در ارتباط با هزینه‌ی ثبت اختراعات و به ویژه در زمینه‌ی هزینه‌های مربوط به تحقیق و توسعه، بین نظام حقوقی ایران و انگلستان تفاوت‌هایی وجود دارد. از جمله مراحل که هنوز نظام حقوقی - مالیاتی ایران به منظور حمایت از صاحبان حق اختراع وارد آن نشده است،

مرحله‌ی پژوهش و توسعه می‌باشد. دولت انگلستان در راستای برخورد با هزینه‌های بازار و نیز کم کردن از فشار وارد بر مخترعان طی مرحله‌ی نامبرده، به ابزاری توسل می‌جوید که این موارد را در بر می‌گیرد: (۱) تحقیق و توسعه‌ی مورد حمایت دولت؛ (۲) ایجاد و تکوین فناوری‌های نوین به دست دولت؛ (۳) تخصیص انواع یارانه‌ی مستقیم، سهام و وام پس‌دادنی به دانشگاه‌ها، مشاغل و نیز سازمان‌های غیر انتفاعی؛ (۴) عرضه‌ی مشوق‌های مالیاتی (رنجبر، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

با این همه باید اشاره داشت که برخلاف حقوق انگلستان، در ایران در مورد خصوصیات اطلاعات ثبت اختراعات، مقرراتی به چشم نمی‌خورد. در حقوق انگلستان، این خصایص، مانند دارا بودن کاربرد صنعتی، امکان آشکارسازی پتانسیل عملی اختراع، قابلیت اجرا، واجد شرح دقیق بودن، ارائه‌ی اطلاعات متمرکز، برخورداری از ساختاری واحد، دسترس‌پذیری، طبقه‌بندی بر مبنای معیارهای بین‌المللی، امکان جستجو، مرجعیت و گستردگی به عنوان خصوصیات اطلاعات ثبت اختراعات در نظر گرفته شده‌اند. با این حال، هیچ‌یک از موارد مذکور، حتی اگر در رویه‌ی عملی بدانها توجه مبذول شده باشد، اما باز هم در نظام حقوق ثبت اختراعات ایران مد نظر قرار نگرفته‌اند. مورد دیگر نیز به فقدان یک بانک اطلاعاتی ثبت اختراعات در منطقه‌ی خاورمیانه برمی‌گردد.<sup>۱</sup> این در حالی است که در سطح اتحادیه‌ی اروپا، اداره‌ی ثبت اختراعات در کار است که انگلستان حتی علی‌رغم عدم عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، یکی از اعضای آن می‌باشد. نکته‌ی دیگر به تحریم‌های بین‌المللی مربوط است: باید اعتراف کرد که نظام حقوق اختراعات در ایران با سایر نظام‌های جهانی که در این زمینه وجود دارند مرادوات زیادی ندارد و نتیجه آن که متأسفانه موارد سوء استفاده از دارندگان حق اختراع ایرانی دیده می‌شود.

### تحلیل حق ثبت اختراع

یکی دیگر از موارد صوری قانونی دیگر که در نظام حقوقی انگلستان، برخلاف نظام حقوقی ایران، به دقت مشخص شده است، به تحلیل حق ثبت اختراع برمی‌گردد که اهداف آن بدین قرارند: (۱) پرهیز از دوباره‌کاری؛ (۲) تحقق امور پژوهشی از یک سطح و مرتبه‌ی دانشی بالاتر؛ (۳) استفاده از راه حل‌های نوین که به شکل‌گیری ایده‌های جدید می‌انجامند؛

<sup>۱</sup> اگر چه این بانک اطلاعاتی از بُعد ملی در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تحت نظارت قوه‌ی قضائیه تشکیل شده و

شروع به کار کرده است.

۴) دقت نظر داشتن نسبت به ابعاد محافظت از اختراعات؛ ۵) آگاهی از روند تکنیکی و تجاری فناوری‌ها در سایر نقاط جهان؛ ۶) مشخص نمودن بسترهای امن جهت شناسایی اختراعات آزمایش شده در مقام رخدادهای جدید صورت گرفته و سرمایه‌گذاری روی آنها.

### نتیجه‌گیری

تولید علم و اختراعات، از جمله سنگ بناها و نیز موتورهای محرکه‌ی تمدن‌های امروزی به شمار می‌آید و رابطه تنگاتنگی با واقعیات جوامع بشری دارد و این قطعاً چنین نکته‌ی مهمی از چشم سیاستگذاران و سیاستمداران ایرانی نیز به دور نمانده است؛ چنان که سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۸۳ توسط رهبر انقلاب به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد، ایران اسلامی را کشوری می‌خواهد توانا در تولید علم و فناوری و صاحب رتبه‌ی نخست در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی. شانزده سال پس از ابلاغ این سند، به دنبال نامگذاری سال ۱۳۹۹ توسط رهبر انقلاب به سال جهش تولید، پیگیری و ضرورت تحقق حداکثری جنبش‌های علمی، فناورانه، مخترعانه و نرم‌افزاری که استقلال و شکوفایی کشور را به دنبال خواهند داشت به جد دنبال شده و در سال کنونی (۱۴۰۰)، از تاکید بر رفع موانع این جنبش‌ها سخن به میان می‌آید؛ موانعی که سد راه علوم و فنون شده و روند تولیدات علمی را کند کرده و حتی بعضاً در شکوفایی هر چه بیشتر فناوری و ابداعات (که بدون آنها تکوین و استقرار علم و پایگاه‌های علمی ممکن نیست) خلل ایجاد می‌کنند. در این مورد می‌توان به عنوان مثال به پدیده‌ی ناپسند فرار سرمایه‌های فکری و علمی از کشور اشاره کرد که خود از تبعات منفی موانع ایجادشده بر سر راه توسعه‌ی علمی به شمار می‌آید؛ سرمایه‌هایی که از محیط ناکارآمد و مایوسانه فرار می‌کنند و در عوض جذب بازارهای خارجی و بین‌المللی می‌شوند و تولیدات و ابداعات و فرآورده‌های علمی و به عبارت دیگر مهارت‌های تخصصی خود را به آنها می‌فروشند (سربندی فراهانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸). این فرار اصولاً از سطح پائین زندگی و به خصوص شرایط نامطلوب زندگی علمی و محققانه ناشی می‌شود. بنابراین باید چستی و مصادیق و جایگاه تولیدات علمی و اختراعات که مستقیماً با مسائل حقوقی گره می‌خورند مشخص و تبیین شوند تا از این طریق موانع و ابهامات موجود برطرف شوند.

در راستای تحقق این مهم، نویسندگان مقاله‌ی حاضر کوشیده‌اند تا موانع موجود بر سر راه تولید علم و اختراع را در ایران مورد بازخوانی قرار دهند و در بین این موانع، با تاکید بر

موانع حقوقی، این موضوع را با رویکردی تطبیقی و با انتخاب نظام حقوقی انگلستان، مورد بررسی قرار دهند.

نتیجه مطالعه تطبیقی صورت گرفته در تحقیق ما نشان می‌دهد که بر خلاف نظام حقوقی انگلستان، موارد مهمی به عنوان مانع بر سر راه تولید علم و اختراع در نظام حقوقی ایران به چشم می‌خورند که به اجمال بدین قرارند:

عدم وضوح در تعاریف و وجود ابهام در مصادیق تولید علم و اختراع؛  
عدم ضابطه‌مندسازی کافی در ارتباط با تقابل موجود بین منافع عمومی و منافع خصوصی که در روند تولید علم و اختراعات و حمایت از آنها به وجود می‌آید؛  
عدم تسهیل قوانین تجاری‌سازی که روندی ضروری در مقوله تولیدات علمی و اختراعات محسوب می‌شود؛  
عدم تجدید نظر در رویکردهای کلی حقوقی، قانونی و سیاستگذاری مرتبط در زمینه‌ی تولید علم و اختراعات؛

عدم مراودات پایدار با دیگر نظام‌ها و کنوانسیون‌های حقوقی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. بدیهی است که از بُعد داخلی و ملی، باید زمینه‌ها و لوازم قانونی و حقوقی بهتر، بیشتر، دقیقتر و موثرتری فراهم شوند تا بدین وسیله، بستر مناسب برای حمایت و پشتیبانی از تولیدات و اختراعات علمی در سطوح وسیع اجتماعی صورت پذیرد، چون «زمینه‌ی اساسی تولید علم، پذیرش این نکته است که تولید علم، ماهیتی جمعی دارد نه فردی» (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۷۹۴). از بُعد بیرونی و بین‌المللی نیز برقراری روابط مفید با سایر کشورها و نیز نهادها و سازمان‌های دیگر که به خصوص در عرصه‌ی ابداع و فناوری حرف برای گفتن دارند اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

## منابع و مآخذ:

## منابع به فارسی:

- ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۴)، «زمینه‌ها و عناصر اساسی تولید علم»، **بازتاب اندیشه**، آبان ۱۳۸۴، شماره ۶۷، صص ۲۸-۳۶.
- ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۰)، «سنجش قدرت قوانین ثبت اختراع ایران با تاکید بر قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری»، **پژوهشهای حقوقی**، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱۹، صص ۳۳۱-۳۵۷.
- اسکندریان، ح. و سلیمانپور، ح. (۱۳۹۴)، «مبانی فقهی و حقوقی بهره‌برداری از اختراع بدون اخذ رضایت از صاحب اختراع»، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۲، صص ۱۶۱-۱۳۹.
- امیری، م.، پورعزت، ع.، دانش جعفری، هاشمی، س. ض. (۱۳۹۰)، «در جستجوی پروکرایی ایرانی»، **سوره اندیشه**، آذر و دی ۱۳۹۰، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۱۳۰-۱۲۴.
- باقری دولت آبادی، ع. و انفعالی، س. (۱۳۹۸)، «دانشگاه و تولید علم؛ ضرورت‌ها و موانع ساختاری»، **کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی**. توکل، محمد (۱۳۷۷)، «وضعیت آموزش عالی در ایران: واقعیتها و چالشها»، **پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، شماره ۱۸، صص ۱-۲۶.
- چیت‌سازیان، علیرضا (۱۳۹۹)، «جهش تولید؛ انقلابی در انگیزه‌ها و ذهنیت‌ها، ژن‌های ناملاط و رشد» تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۶، صص ۴۸-۴۳.
- جنوی، المیرا (۱۳۹۹)، «تحلیل شاخص‌های سنجش و ارزیابی حوزه‌های فناوری و نوآوری در اسناد بالادستی کشور»، **فصلنامه رهیافت**، دوره ۳۰، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۹، صص ۴۴-۲۵، ص ۲۶.
- رنجبر، محمود (۱۳۹۹)، بررسی شیوه‌ها و آثار تجاری‌سازی حق اختراع در حقوق ایران و انگلستان، **پایان نامه** دکتری در رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز.
- رنجبر، محمود و ماندگار، مصطفی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی فرآیند قانونی تجاری‌سازی حق اختراعات در ایران و انگلستان»، **تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- زاهدی، م.، عرفان منش، م.، طباطبائی نژاد، م. (۱۳۹۴)، «نقش نظام ثبت اختراع در حمایت از محیط زیست با تاکید بر کنوانسیون تنوع زیستی»، **پژوهش حقوق عمومی**، پائیز ۱۳۹۴، شماره ۴۸، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- سربندی فراهانی، علیرضا (۱۳۸۴)، «موانع تولید و پیشرفت علم در کشورهای در حال توسعه»، **سفیر نور**، پائیز ۱۳۸۴، پیش شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۴۱.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۵)، «بررسی موانع نهضت تولید علم در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز توسعه»، **مطالعات دفاعی استراتژیک**، شماره ۲۸، صص ۱۳۰-۱۲۱.
- فرازر قراملکی، احد (۱۳۹۴)، «ادب نقدپذیری: تعریف و مبانی»، **نقد کتاب فقه و حقوق**، بهار ۱۳۹۴، شماره ۱، صص ۱۳-۲۱.
- فضل‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۸)، «شناسایی و طبقه‌بندی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه‌های استان قم»، **نشریه معرفت**، شهریور ۱۳۸۸، شماره ۱۴۱، صص ۱۲۷-۱۴۲.
- فولادی، محمد (۱۳۸۱)، «بررسی پدید فرار مغزها، آثار و پیامدهای آن»، **معرفت**، اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۵۳، صص ۹۳-۸۳.
- فیروزآبادی، سید حسن (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمانی جنبش نرم افزاری تولید علم در کشور»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۲۷-۱.
- محسنی، س. و قبولی درافشان، م. (۱۳۹۵)، «بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه)»، **مطالعات حقوق خصوصی**، بهار ۱۳۹۵، سال چهل و ششم، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۳۷.
- نجفی، موسی (۱۳۸۸)، **انقلاب فرامردن و تمدن اسلامی**، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نصرآبادی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، «شرایط ماهوی شناسایی حق اختراع: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و موافقت‌نامه‌ی تریپس»، **مجله حقوقی دادگستر**، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۵۰ و ۵۱، صص ۳۸۳-۴۱۴.
- نوروزی، ع.، ابوالقاسمی، م.، قهرمانی، م. (۱۳۹۴)، «بررسی موانع تولید علم از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی»، **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲۲، صص ۱۰۸-۷۷.
- هداوند، سعید (۱۳۸۳)، «موانع موجود در توسعه علمی ایران و مهاجرت نخبگان»، **فصلنامه تدبیر**، شماره ۱۵۴، صص ۳۲-۲۶.

## منابع انگلیسی:

- Chakroun, Nefissa (2016). **Patents for Development: Improved Patent Information Disclosure and Access for Incremental Innovation**, Edward Elgar Publishing.
- Cornish, W. R. (1999). **Intellectual Property, Patents, Copyright, Trade Marks and Allied Rights**, London: Sweet & Maxwell.
- Gilbert, G.N. (1978), "Measuring the Growth of Science: A Review of Indicators of Scientific Growth", *Scientometrics*, 1 (1).
- Reyman, A. Mark & Hoffman, Richards (2005). **Intellectual Property Damages, Guidelines and Analysis**, John Wiley & Sons, Inc.
- Treitel, G.H. (1995). *The Law of Contract*, London: Sweet & Maxwell.